

## قدرت نرم فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در کشور افغانستان

ملیحه نیکروش رستمی<sup>۱</sup>

### چکیده

جمهوری اسلامی ایران دارای منابع متعدد قدرت نرم در سطح منطقه‌ای و جهانی است و یکی از مهمترین وجوه قدرت نرم ایران، مولفه‌ها و بُعد فرهنگی قدرت می باشد که نقش موثری در ارتقاء توانمندی ایران در گستره بین‌المللی داشته است. یکی از مناطقی که ایران در آن دارای مولفه‌ها و منابع متعدد قدرت فرهنگی برخوردار است، کشور افغانستان می باشد و با توجه به اهمیت استراتژیک این کشور در سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی، مقاله حاضر تلاش دارد به بررسی قدرت نرم فرهنگی ایران در این کشور بپردازد و ضمن بررسی پیشران‌های فرهنگی تاثیرگذار بر قدرت نرم فرهنگی ایران، به چالش‌های قدرت فرهنگی در افغانستان پرداخته می شود و نقش روند دیپلماسی چندوجهی ایران در این کشور بر قدرت نرم مورد بررسی قرار خواهد گرفت. فرضیه اصلی مقاله به این قرار است که جمهوری اسلامی ایران به دلیل اشتراکات فرهنگی، دینی، تاریخی و تمدنی از منابع فرهنگی متعددی در کشور افغانستان برخوردار است ولی فعالیت‌های قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی منجر به ظهور چالش‌هایی برای قدرت نرم فرهنگی ایران در منطقه شده است که لازم است برای برون رفت از آنها، دیپلماسی چندوجهی کشور در حوزه‌های آموزشی، فرهنگی و رسانه‌ای تقویت شود.

**واژگان کلیدی:** قدرت نرم، منابع فرهنگی، افغانستان، جمهوری اسلامی ایران، دیپلماسی فرهنگی، تمدن، اشتراکات دینی.

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد

## ۱. مقدمه

قدرت نرم مجموعه ای از فعالیتهایی است که توسط یک دولت یا بازیگران منطقه ای و بین‌المللی طراحی شده است تا با هدف تأثیرگذاری بر افکار عمومی خارجی، تصویر بیرونی مطلوب ایجاد کرده یا جلب حمایت از یک سیاست خاص را به همراه داشته باشد که از طریق تمام ابزارهای موجود و فناوری‌های جدید اجرا شود. (Sadeghi & Hajimineh, ۲۰۱۹: ۲۱۶) در این راستا، جمهوری اسلامی ایران ضمن توانمندی در عرصه قدرت سخت، چشم انداز مطلوبی در حوزه قدرت نرم دارد و توانسته است با بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود، استراتژی جامع برای طراحی قدرت نرم و پیاده‌سازی آن در منطقه برای منافع ملی خود داشته باشد. (Shoamanesh, ۲۰۱۶: ۱) به تعبیر ادوارد وستنیچ<sup>۲</sup>، ایران در سطح بین‌المللی نیز نه تنها در جنبه‌های غالباً حساس، مادی یا سخت سیاست خارجی، بلکه در جنبه‌های فرهنگی و نرم‌افزاری از پتانسیل‌های خوبی برخوردار است و سیاست‌های فرهنگی و نرم در سیاست خارجی نشان از درک ایران از پتانسیل و ظرفیت‌های قدرت نرم دارد. (Wastnidge, ۲۰۱۵: ۳۶۴) یکی از مناطقی که جمهوری اسلامی ایران در آن دارای منابع و مولفه‌های فرهنگی قدرت نرم می‌باشد، کشور افغانستان می‌باشد. (Posch, ۲۰۱۴: ۲) در چند سال گذشته، درک از وابستگی‌های متقابل بین افغانستان و همسایگان مختلف آن در شرق، غرب و شمال بسیار مورد اقبال واقع شده است ولی بسیاری از تحلیلگران نقش اساسی ایران را در ابعاد منطقه ای افغانستان از منظر قدرت نرم کمتر مورد توجه قرار داده‌اند و این در حالی است که ایران نقش دارای نفوذ منطقه ای می‌باشد. (Wilde, ۲۰۱۳: ۱۰۰) با توجه به اهمیت مسئله شناسایی منابع قدرت نرم ایران در کشورهای منطقه برای امر سیاستگذاری خارجی و تدوین چشم‌انداز راهبردی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه و کشورهای استراتژیک برای ایران، مقاله حاضر تلاش دارد

---

<sup>۲</sup> E. Wastnidge

به بررسی و شناسایی منابع فرهنگی قدرت نرم ایران در افغانستان پردازد و با بررسی منابع معتبر در این زمینه با کاربست چارچوب نظری قدرت نرم و مطالعات کتابخانه‌ای، به این سوال اصلی پرداخته می‌شود؛ منابع فرهنگی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در کشور افغانستان شامل چه مواردی می‌شود؟ جمهوری اسلامی ایران در کشور افغانستان دارای منابع متعدد فرهنگی است که استعانت از آنها نیازمند برنامه ریزی بلند مدت می‌باشد.

## ۲. چارچوب مفهومی و نظری

### ۲-۱. قدرت

قدرت به عنوان توانایی دستیابی و یا حفظ هدف مورد نظر تعریف می‌شود. (Turesany, ۲۰۱۷: ۶۱) در عمومی ترین سطح، قدرت توانایی تأثیرگذاری بر رفتار دیگران برای به دست آوردن نتایج مورد نظر است. روش های مختلفی برای تأثیرگذاری رفتار دیگران وجود دارد؛ می‌توان آنها را با تهدید مجبور کرد، می‌توان آنها را با پرداخت مالی القا کرد، یا می‌توان آنها را جذب یا دعوت به همکاری کرد. بعضی اوقات بدون فرمان دادن می‌توان بر رفتار دیگران تأثیر گذاشت. سیاستمداران عملی و مردم عادی غالباً قدرت را به عنوان در اختیار داشتن توانایی ها یا منابعی تحت تأثیر نتایج قرار می‌دهند. (Nye, ۲۰۰۴: ۱-۲) قدرت در اصل به توان و استعداد انسان برای انجام کاری که مطلوب اوست، اطلاق می‌شود. از منظر سیاسی قدرت عبارت است از عواملی که یک بازیگر را قادر می‌سازد تا رفتار بازیگران دیگر را در نفوذ خود قرار دهد. بر این اساس بازیگران می‌توانند حکومت‌ها، ملت‌ها، کشورها و سایر گروه‌ها را در انجام اقدامی مشخص و یا جلوگیری از آن تحت نفوذ قرار دهند. (زرقانی، ۱۳۹۱: ۲-۳)

### ۲-۲. قدرت نرم

شرایط جدید نظام بین‌الملل باعث شده است کشورها برای تامین منافع ملی خود ابزارها و راه‌های جدیدی را به کار گیرند که مهم‌ترین آنها را می‌توان بهره‌گیری از قدرت نرم دانست.

(نیکروش و علویان، ۱۳۹۴: ۲۹) مفهوم قدرت نرم اولین بار توسط جوزف نای در دهه ۱۹۹۰ ابداع شده است و از آن زمان، دانشگاهیان و سیاستمداران به این رویکرد جدید نسبت به قدرت پرداختند. (۴۹۱: ۲۰۱۷، yukaruc) مفهوم قدرت نرم به سرعت از تئوری دانشگاهی به یکی از کلمات کلیدی و فراگیر در عرصه سیاسی منتقل شده است. (Kearns, ۲۰۱۱: ۶۵) قدرت نرم به نوعی از قدرت ملی گفته می‌شود که مبتنی بر جذابیت‌های ایدئولوژیک و فرهنگی است که خواسته یا ناخواسته توسط بازیگران در روابط بین‌الملل برای دستیابی به ضرورت‌های استراتژیک مورد استفاده قرار می‌گیرد. قدرت نرم شامل ارزش‌ها و ایده‌ها، سیستم‌های آموزشی، اجتماعی و اقتصادی، سیاست‌های قانونی مشروع و پذیرفته شده توسط سایر ملل و مردم می‌شود. زمانی سایر کشورها متقاعد می‌شوند که آرمانها یا سیاست‌های یک ملت دارای مشروعیت و در واقع مطلوب هستند، در نتیجه قدرت نرم آن ملت افزایش می‌یابد. قدرت نرم به معنای افزایش اهمیت استفاده از ابزارها و منابع نرم قدرت است که دارای جذابیت، مشروعیت و اعتبار است. (Lee, ۲۰۱۱: ۱۱) قدرت نرم توانایی شکل دادن به خواسته‌های دیگران از طریق جذابیت می‌باشد و این جذابیت به منابع نامشهود مانند فرهنگ، ایدئولوژی و مؤسسات متکی است که می‌توانند به قانونی بودن قدرت و سیاست یک کشور معین در نظر دیگران کمک کند. (Wang & ChungLu, ۲۰۰۸: ۴۲۶)

جوزف نای معتقد است؛ اگر یک کشور بتواند قدرت خود را در نظر دیگران مشروع جلوه دهد، در برابر خواسته‌های خود با مقاومت کمتری روبرو می‌شود. اگر فرهنگ و ایدئولوژی آن جذاب باشد، دیگران با میل بیشتری آن را دنبال خواهند کرد. اگر بتواند هنجارهای بین‌المللی را مطابق با جامعه خود برقرار کند، کمتر احتمال دارد که تغییر کند. (Nye ۱۹۹۰: ۱۶۷) بعد نرم افزاری قدرت زمامی تحصیل می‌شود که سیاست‌های کشور صاحب قدرت توسط سایر بازیگران به صورت ارادی و آزادانه پذیرفته شود. (Yavuzaslan & Cetin, ۲۰۱۶: ۳۹۵) برای اعمال قدرت نرم به طور موثر، کشورها باید در یک بازار کارآمد

از ایده ها با هدف مورد نظر ارتباط برقرار کنند و هدف خود را ترغیب کنند تا نگرش خود را نسبت به یک موضوع سیاسی مشخص تغییر دهد. (Kroenig and et, al. ۲۰۱۰: ۴۱۲)

قدرت نرم راهبرد غیرمستقیم به دست آوردن خواسته ها بوده و ممکن است کشوری به نتایج مورد نظرش در امور سیاسی جهان از این جهت دست پیدا کند که دیگران ارزش هایش را تحسین و آن کشور را الگوی خود قرار دهند. (نیکروش و جعفری، ۱۳۹۵: ۱۰۸)

### ۲-۳. فرهنگ به مثابه یکی از منابع حیاتی قدرت نرم

قدرت نرم دارای ابزارها و مکانیسم های مشخص است و توانمندی قدرت نرم بر اساس ابزارها و منابع مفید برای اجرای درجات مختلف قدرت نرم سنجیده می شود. (Rothman, ۲۰۱۱: ۴۹) توانایی تبدیل منابع قدرت به نتایج سیاست خارجی مطلوب امری حائز اهمیت است و تلاش گام به گام برای گسترش قدرت نرم نیاز است. کشورها برای گسترش قدرت نرم از طریق ظرفیت ها و منابع خود، همچنان با سه عامل محدود می شوند؛ عدم تعادل در منابع قدرت نرم، نگرانی های مربوط به مشروعیت منابع قدرت نرم در روند دیپلماسی و سیاست خارجی معطوف به قدرت نرم، و فقدان دستور کار منسجم در ارتقاء منابع قدرت و کاربست آن. (Gill & Huang, ۲۰۰۶: ۱۷) در واقع، هسته بنیادین مفهوم قدرت، به کارگیری منابع در راستای تحقق نتایج مطلوب با عطف به راهبرد مناسب است. (رفیع و نیکروش، ۱۳۹۲: ۱۰۴)

فرهنگ و علقه های فرهنگی، پایدارترین عنصر قدرت ملی در هر کشوری محسوب می شود که ضامن حفظ بقا و تامین امنیت و استقلال یک کشور و ملت آن می باشد. برتراند راسل در کتاب «قدرت» بر اهمیت فرهنگ و ایدئولوژی در قدرت جامعه تاکید می نماید و ذکر می کند: «قدرت جامعه تنها بر شمار افراد و منابع اقتصادی و توانائی های فنی آن وابسته نیست بلکه به باورهای آن هم بستگی دارد. نمونه کلاسیک رسیدن به قدرت از طریق باور، اسلام است.» نای در کتاب «قدرت نرم؛ ابزارهای موفقیت در سیاست بین الملل» اذعان می دارد که

آن بخش هایی از فرهنگ که برای دیگران جذابیت دارد، از منابع قدرت نرم محسوب می شود. قدرت نرم به یک معنا همان قدرت فرهنگی کشورهاست که از طریق آن در سایر کشورها اعمال نفوذ صورت می گیرد؛ بنابراین فرهنگ منبع قدرت نرم در عرصه بین الملل است که کشورها با کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و جهانی، قابلیت خود برای تأثیرگذاری همراه با رضایت بر دیگران را افزایش می دهند. هنگامی که فرهنگ یک کشور ارزش های جهانی را شامل شود و بنیاد سیاست های آن را ارزش های مشترک جهانی شکل دهد، احتمال اینکه نتایج مطلوب تحصیل شود، افزایش می یابد. (قربی و منصور، ۱۳۹۷: ۱۵۹-۱۶۱)

#### ۴. بسترها و پیشران های فرهنگی تاثیرگذار بر قدرت فرهنگی ایران در کشور افغانستان

##### ۴-۱. زبان و ادبیات فارسی

زبان، یکی از عوامل تأثیرگذار در ارتباطات بین فرهنگی است. همسانی زبان، موجب سهولت ارتباط بین فرهنگی خواهد شد. یکی از مؤلفه های مهمی که انتخاب ایران را برای مهاجران افغان هموار کرد، داشتن زبان مشترک بود. آنان بر این باور بودند که ارتباط گیری در ایران، چندان مشکل نخواهد بود؛ البته که زبان، فقط یکی از اشتراکات فرهنگی است. زبان بین ایران و افغانستان مشترک است که هویت فرهنگی را تسهیل می کند. زبان دیگر که بین ایران و افغانستان مشترک است، زبان پشتو است؛ پشتو زبان ایرانی است که مردم نوار شرقی کشور از آن استفاده می کنند. براساس آخرین تخمین ها یک میلیون نفر در افغانستان و ۵۲ هزار نفر در ایران به این زبان تکلم می کنند. بدین ترتیب زبان پشتو در میان زبان های ایرانی در مرتبه دوم اهمیت قرار دارد و زبان دری در افغانستان زبان رسمی کشور است. زبان فارسی با وجود بسیاری از تحولات، همواره هویت خود را حفظ کرده است. (کوهکن و دیگران، ۱۳۹۷: ۴۹)

زبان فارسی می تواند در منطقه اوراسیای مرکزی در ارتباط با کشورهایی مانند افغانستان به عنوان منبع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران کارایی داشته باشد. البته نباید فراموش کرد که

ادبیات کهن فارسی که نمایانگر هویت ایرانی و آیین فرهنگ، اندیشه، آرزوها، آرمانها و به طور کلی جهان بینی ملت بزرگ ایران است و با وجود مفاخری مانند حافظ، سعدی، فردوسی، مولوی و خیام و با برخورداری از مضامین بسیار غنی و والا دارای شهرتی جهانی بوده و مورد اقبال شمار زیادی از دوستداران شعر و ادب در جوامع مختلف جهان قرار دارد تا جایی که آثار مشاهیر ادب فارسی به زبان های گوناگون ترجمه شده و در زمره کتب پرفروش به شمار می آیند. در نتیجه جاذبه ادبیات فارسی در افغانستان هم می تواند مجرای برای تأثیرگذاری بر شماری از اقشار فرهیخته، دانشجویان و اهل ادب باشد. به دلیل همین جاذبه ها است که دوره های آموزش زبان فارسی در کشورهایی نظیر افغانستان با استقبال پرشور علاقه مندان روبرو می شود. (سعیدی و مقدم فر، ۱۳۹۳: ۱۱۳)

وجود زبان فارسی در افغانستان و رواج یادگیری زبان فارسی در مناطق مرزی ایران بر قدرت نرم ایران می افزاید؛ زیرا با متکلمان زبان فارسی به راحتی می توان دیالوگ برقرار کرد و پیام جمهوری اسلامی ایران را به آن ها تحویل داد و در عین حال، فرهنگ ایرانی را با زبان فارسی بهتر می توان در میان مردم افغان درونی کرد. در عین حال، زبان فارسی می تواند یک ابزار برای دیپلماسی مسئولین ایران با مردم افغان باشد و از این طریق به راحتی منظور را به آن ها رساند. (جعفری و نیکروش، ۱۳۹۴: ۳۷) «زبان فارسی، زبان مشترک تمام اقوام و ملت های افغان است و پل میان ایرانیان و مردمان افغان در راستای برقراری ارتباط می باشد که اندیشه ها، باورها و اعتقادات از طریق آن منتقل می شود. پیوندهای زبانی میان مردمان دو کشور ایران و افغانستان، سبب تقویت همدلی میان اهالی دو سرزمین، رونق یافتن تبادلات تجاری، فرهنگی و... می شود.» (احمدی، ۱۳۹۰: ۵۴-۵۶)

ادبیات و زبان فارسی از طریق سیاستگذاری فرهنگی صحیح می تواند ترویج دهنده ارزش های سیاسی و فرهنگی انقلاب اسلامی نظیر؛ حفظ کرامت انسان و آزادی توأم با مسئولیت، نفی ستمگری و ستم کشی و سلطه، قسط و عدل و عدالت طلبی، مساوات و مخالفت با

تبعیض، ظلم ستیزی در سراسر جهان و حمایت از ستمدیدگان سراسر دنیا در افغانستان باشد.  
(حاجیان، ۱۳۹۴: ۳۶-۳۵)

## ۲-۴. جاذبه های فرهنگی-تمدنی

ایران دارای فرهنگ و هویتی پرجاذبه و ریشه دار است. بسیاری از تاریخ نگاران و محققان، سابقه تمدن ایرانی را به پنج هزار سال قبل از میلاد مسیح رسانده و تاکید می کنند مؤلفه های قدرت ایران، تاثیر بسزایی در ساختار جهان داشته است. پیشینه فرهنگی و تمدنی ایران عامل مقاومت ایرانیان در برابر تهدیدات بیرونی بوده است. (ملک زاده، ۱۳۹۳: ۱۱۳) پیوندهای کهن تاریخی و فرهنگی بین ایران و افغانستان وجود دارد؛ تا جایی که بسیاری از صاحب نظران از این کشور به حیاط خلوت فرهنگی ایران یاد کرده اند. اشتراکات زبانی، فرهنگی و تاریخی چنان سرنوشت دو کشور را در هم تنیده که هیچ کس نمی تواند جای خالی ایران را به لحاظ فرهنگی در این کشور پر نماید و ایران به بازیگری بی بدیل در عرصه فرهنگ افغانستان تبدیل شده است. بخش عمده کتاب های درسی افغانستان به زبان فارسی است و بسیاری از منابع علمی مورد استفاده دانشجویان افغان در ایران چاپ می شود. رغبتی عجیب در بین دانشجویان افغان برای حضور در موسسات آموزش عالی و دانشگاه های ایرانی وجود دارد. گرایش خانواده های افغان به استفاده از محصولات رادیوئی و تلوزیونی ایرانی به رغم ظهور دهها شبکه رادیوئی و تلوزیونی که عمدتاً فیلم های غربی یا هندی را پخش می نمایند و...، نشان از اهمیت حوزه تمدنی و فرهنگی در مناسبات دو کشور دارد. (داودی، ۱۳۹۳: ۱۱۷)

فرهنگ امروز افغانستان برگرفته از هویت فرهنگی ایران بوده و فراتر از مرزهای قراردادی است. امروزه غالب مردم ایران و افغانستان معترف هستند که زیر بیرق تمدن ایرانی تاریخ را گذرانده اند. با اطمینان کامل می توان گفت که ایران و افغانستان تنها دو کشوری هستند که در منطقه، مشترکات بسیار قوی دارند. این دو کشور با هم، مشترکاتی دارند که تمایز آن کم رنگ است؛ دو کشور دارای وحدت تاریخی، زبانی، دینی، فرهنگی و حتی خویشاوندی



می باشند. (کوهکن و دیگران، ۱۳۹۷: ۶۳) میراث مشترک فرهنگی، تاریخی و تمدنی بین ایران و افغانستان نظیر عید نوروز باستانی، عید فطر، عید قربان، مراسم روز عاشورا و غیره زمینه ساز نزدیکی بین دو ملت ایران و افغانستان شده است. (کهدویی، ۱۳۸۹: ۲۶)

### ۳-۴. الگوی فرهنگی همزیستی قومیت ها و اقلیت ها

اقوام مختلفی در ایران ساکن هستند و علاوه بر این تنوع قومی، شاهد تنوع در مذاهب نیز می باشیم؛ ایران ترکیبی از شیعه، سنی، مسیحی، کلیمی و... می باشد. نکته قابل توجه اینکه، اقوام مختلف ایرانی و پیروان مذاهب مختلف در طول تاریخ ثابت کرده اند هویتشان در پیوند با ایران شکل گرفته است و تکیه بر قومیت، جدای از فضای جغرافیایی ایران، در آن ها دیده نمی شود. اما بر خلاف ایران، کشور افغانستان از وحدت و یکپارچگی برخوردار نیست. جامعه کنونی افغانستان برخوردار از یک ترکیب ناهمگون قومی و مذهبی است. در نقطه مقابل، جمهوری اسلامی ایران کشوری است که اقوام، قومیت ها و پیروان مذاهب مختلف را در خود جای داده است، ولی مردم این کشور خود را با عنوان ایرانی می شناسند و همین امر عامل قدرت نرم ایران در سطح ملی است. از آنجایی که کشور افغانستان در همسایگی ایران قرار دارد جمهوری اسلامی ایران می تواند با صدور الگوی یکپارچگی ملت ایران (در امور اساسی و ملی) به کشور افغانستان، به این کشور در راستای دست یابی به ثبات و امنیت داخلی کمک شایانی نماید و از این طریق حسن نیت خود را به مردم این کشور نشان دهد و نفوذ خود را در این کشور افزایش دهد. (جعفری و نیکروش، ۱۳۹۴: ۳۸-۳۷)

### ۴-۴. هویت تمدنی و احیاگری هویت دینی

انقلاب اسلامی ایران در زمانی به وقوع پیوست که اکثر نظریه پردازان و جامعه شناسان از فروکاستن دین به سطح فردی و عدم توانایی آن در اداره جامعه سخن می راندند. این امر، نه فقط در جوامع غربی و سکولار، که در جوامع اسلامی نیز به نوعی به یک باور عمومی تبدیل شده بود. انقلاب اسلامی با دگرگون ساختن این نگرش، هویت جامعه ای اسلامی را احیا و

بازسازی نمود و دین را به زندگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه اسلامی وارد ساخت. انقلاب اسلامی از رهگذر احیای ارزشهای الهی و انسانی و تحکیم مبانی مردم سالاری دینی و بسط و گسترش آن، موجبات شکوفایی و بالندگی تمدن اسلامی را فراهم آورد. این انقلاب با ترویج فرهنگ و تفکر استقلال محور در جهان اسلام، نه تنها توانست نوعی خودباوری فرهنگی و استقلال اندیشه ای را برای مسلمانان به ارمغان آورد، بلکه تمدن اسلامی را به عنوان یک اسلوب قدرتمند در برابر مدعیان جهانشمولی تمدن غربی مطرح نمود. رابرت اسنایدر نیز با تأکید بر نقش انقلاب اسلامی در مبارزه با نظم هژمونیک لیبرال به رهبری آمریکا، این انقلاب را عامل احیای اسلام سیاسی و شکل گیری جنبش های اسلامی در منطقه می داند که نظم و نظام بین الملل لیبرال سکولار موجود را به چالش طلبیده اند. (ملک زاده، ۱۳۹۴: ۱۴۵)

#### ۴-۵. الگوی اسلام سیاسی- فرهنگی

از ابعاد مهم انقلاب اسلامی ایران بعد فرهنگی است و یکی از جوامع هدف انقلاب اسلامی، کشور افغانستان است که در همسایگی ایران وجود دارد. هم اکنون شاهد رقابت سه گفتمان اسلامی در منطقه هستیم که با توسل به قدرت نرم در حال منازعه فرهنگی جهت ارتقا و تثبیت نفوذ خود در منطقه اند که عبارتند از: اسلام سلفی به رهبری عربستان، اسلام سکولار به رهبری ترکیه و اسلام انقلابی به رهبری جمهوری اسلامی ایران که هر یک به منظور ارائه الگو برای دیگر کشورهای اسلامی در حال رقابت می باشند. (کوهکن و دیگران، ۱۳۹۷: ۶۲) در این میان، یکی از غنی ترین منابع مولد قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بدون تردید الگوی اسلام سیاسی است؛ این الگو را می توان دستاورد اساسی انقلاب اسلامی برای محیط جهانی دانست؛ زیرا مفاهیم و ارزش های بدیعی را عرضه کرد که در تاریخ معاصر جهان کاملاً بی سابقه بود و برای ملت ها بسیار تازگی داشت. الگوی اسلام سیاسی انقلاب ایران وجوه گوناگونی دارد که هر یک به نوعی موجب جذابیت و قدرت زایی آن می شود و از

جمله می توان به معنویت گرایی در سیاست اشاره کرد. انقلاب اسلامی تا حدود زیادی از سیاست منفعت محور ماکیاولیستی که تنها حساب هزینه و فایده مادی منتج از عقلانیت ابزاری را سرلوحه کنش سیاسی قرار می دهد فاصله گرفت و با وارد ساختن مفاهیم دینی به عرصه سیاست ورزی، سیاست را صبغه ای الهی و قدسی بخشید. فوکو قدرت نرم انقلاب ایران را نهفته در پیام معنوی آن می داند که برای جهان ارسال می شود. (سعیدی و مقدم فر، ۱۳۹۳: ۱۱۷)

#### ۶-۴. انگاره های دینی مشترک

بین ایران و افغانستان انگاره های دینی مشترکی وجود دارد که با تکیه بر انگاره های مشترک دینی، میتوان به برجسته سازی اشتراکات و تقلیل اختلافات در روابط بین دو کشور کمک شایانی کرد. طرح مفاهیمی از قبیل «امت واحد اسلامی» و «تمدن نوین اسلامی» هر کدام به نوبه خود موجبات تفاهم و ایجاد اشتراکات بیشتر بین دو ملت ایران و افغانستان را فراهم می کند. همین انگاره دینی مشترک است که منجر به حضور و شکل گیری هسته هایی از مدافعین حرم، متشکل از مردم افغانستان در ایران گردیده است. تفاهم مشترک تشیع و تسنن در اصل وحدت در برابر دشمنان سابقه خود را نمایان کرده است. روابط ایران و افغانستان از ابتدای شکل گیری این کشور دارای فراز و فرودهای فراوان بوده است که دارا بودن زمینه های مشترک، از جمله زبان، اساطیر، دین، مهاجرت و سابقه همکاری به ایجاد فرصت های بالقوه جهت شکوفایی در زمینه دیپلماسی فرهنگی منتج گردیده است. با توجه به اشتراکات ارزشی و باورها که در قالب بستر تاریخی مشترک شکل گرفته است، در اکثر زمینه ها می توان با اتکا به این زمینه و دین و فرهنگ مشترک، به ایجاد گروه های همکاری روی آورد. اعضای و تشکیل دهندگان را می توان نخبگان و مهاجرین پرشمار کشور افغانستان به ایران قرار داد که در ایجاد همکاری و پیشبرد اهداف دارای نقش ذی نفوذ و حتی اصلی باشند. اگر از انگاره های مشترک دینی در قالب تربیت نیروی انسانی از بین مهاجرین عملکرد خوبی وجود داشته

باشد، مسلماً در تصمیم‌گیری‌های آتی این کشور که توسط همین افراد است، می‌توان استفاده مطلوبی کرد. (کوهکن و دیگران، ۱۳۹۷: ۵۶-۵۵)

#### ۷-۴. منادی وحدت و اتحاد اسلامی

جمهوری اسلامی ایران نیز همواره منادی وحدت و اتحاد مسلمانان جهان بوده است. برخی از تلاش‌های انجام گرفته در این رابطه را می‌توان در تأسیس مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، نامگذاری هفته وحدت، برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی با موضوع وحدت، و پیام‌ها و رهنمودهای سازنده مسئولان ارشد جمهوری اسلامی در تأکید بر وحدت جهان اسلام و امت اسلامی عنوان نمود. تأکید بر اصول فوق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، با توجه به آنکه این اصول در میان ملت‌های منطقه و بسیاری از آزادی‌خواهان جهان از جذابیت و پذیرش بالایی برخوردار می‌باشد، ایران را از نگاه ملت‌ها بویژه ملت افغانستان به یک بازیگر کلیدی و مهم در جهان اسلام تبدیل کرده است. در مجموع می‌توان بعد نظری قدرت نرم نظام اسلامی در عرصه سیاست خارجی را ناشی از احساس مسئولیت نسبت به نوع بشر دانست. بر مبنای همین بینش، اصل ۱۵۴ قانون اساسی تأکید می‌کند نظام جمهوری اسلامی سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. (ملک زاده، ۱۳۹۴: ۱۴۱) سخنان و اظهارات مسئولان ایرانی نسبت به مخاطبان افغانستان این فرضیه را تأیید می‌کنند که رهبران ایران به طور فعال یک منبع جذاب قدرت نرم با استفاده از مفهوم و ایده "برادری" می‌باشد. این مفصل‌ها در رابطه با زنجیره‌ای از نشانه‌گذاران، پیوند وابستگی بین ایران و افغانستان ایجاد می‌کنند. این پیوند مبتنی بر یک منبع قدرت نرم محور مبتنی بر مخاطب است که بر نشانگرهای وفاداری، دوستی، همکاری و وحدت بنا شده است و مخاطبان افغانستان را به سمت گفتمان ترجیحی ایران علیه هژمونی غرب سوق می‌دهد. (Feizi, ۲۰۱۸: ۱۵۷)

## ۵. دیپلماسی و قدرت نرم فرهنگی ایران در کشور افغانستان

### ۵-۱. آموزش و مراودات علمی دوجانبه؛ دیپلماسی علمی

آموزش عالی می تواند بسترهای قدرت و نفوذ کشورهای صاحب علم و آموزش را نشان دهد. (Yang, ۲۰۱۰: ۲۳۵) آموزش بین المللی می تواند بر افکار عمومی خارجی تأثیر بگذارد؛ به گونه ای که بر منافع ملی، اعتماد به نفس ملی، گفتگو و تبادلات، صحت پیام های ارسالی به سایر بازیگران و همچنین تفاهم بین فرهنگی نیز تأثیر بگذارد. (Wojciuk, ۲۰۱۸: ۳۵۷) آموزش عالی به مثابه ابزار ارتقاء قدرت نرم از این طریق عمل می نماید که مبادله بین گروه های نخبه صورت گرفته، پیوندهایی بین یک یا دو مخاطب کلیدی ایجاد می نماید که در بلند مدت و میان مدت تأثیر تحول آمیز خواهد داشت. (Polglase, ۲۰۱۳: ۱۱۳) منابع علمی قدرت به خودی خود موجب افزایش قدرت نمی شوند، بلکه به کارگیری هدفمند و صحیح آنها موجب افزایش توانمندی و قدرت می شود. علم و فناوری به عنوان بخشی از منابع قدرت در داخل و خارج از مرزهای ایران موجب الهام بخشی، اعتبار و نفوذ شده و در نتیجه، زمینه ساز افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران می شود. (قربی و حیدری، ۱۳۹۷: ۱۶۵)

مراکز آموزشی و دانشگاه ها به پیشبرد سیاست خارجی کمک می نمایند و می توانند رهبران آینده جهان را همسو با اهداف و منافع کشور آموزش دهنده نمایند. در این زمینه، تبادلات آکادمیک و فرهنگی نقش مهمی در ارتقاء قدرت نرم کشورها دارند زیرا نقش مهمی در تقویت ایده های سیاسی در نخبگان کشورهای دیگر دارند. (Nye, ۲۰۰۵: ۱۳-۱۴) به یک معنا، کالج و دانشگاه ها می توانند با پیشبرد درک بهتر از قدرت نرم، سطح پیشبرد سیاست خارجی را ارتقا دهند. آموزش عالی، قدرت نرم مهمی را در جامعه جهانی بهم پیوسته ایجاد می کند. (Li, ۲۰۱۸: ۱۹)

یکی از تلاش‌های ایران جهت ارتقاء سطح نفوذ و قدرت نرم ایران در افغانستان، اتخاذ گسترش همکاری‌های آموزشی به عنوان یک پارادایم بی بدیل قدرت نرم در جهت افزایش و ارتقاء جایگاه و پرستیژ ایران در نظام بین الملل و ایفای نقش برتر در منطقه است. با نگاهی اجمالی به افغان‌های ساکن در ایران که مشغول تحصیل می‌باشند، به اهمیت موضوع پی خواهیم برد که ایران چه سرمایه عظیمی در آینده برای نفوذ هرچه بیشتر خود با توجه به فاکتورها و اشتراکات فرهنگی عقیدتی، تربیت هیئت علمی، اعطای بورس در رشته‌های علوم سیاسی و حقوق و ... در اختیار دارد. (صالح آبادی، ۱۳۹۵) اشتراکات فرهنگی، زبانی و دینی از جمله مزیت‌هایی است که حضور ایران در عرصه علم و فناوری افغانستان را بی بدیل می‌سازد. اولاً، بخش عمده نیروی آموزشی در افغانستان دانش‌آموخته مدارس و دانشگاه‌های ایران هستند و به همین جهت با منابع درسی ایران بیشتر مأنوس بوده و در روند تدریس خود از منابع فارسی و ایرانی استفاده می‌نمایند. ثانیاً، هرچند پشتون و فارسی دری جزء زبانهای رسمی افغانستان است، اما غنای زبان فارسی و منابع عدیده علمی که به این زبان نوشته یا ترجمه شده است، فارسی را برای طالبان علم در افغانستان از جذابیت فراوانی برخوردار کرده است. (داودی، ۱۳۹۳: ۱۱۹)

ساوهل (۲۰۱۷) اشاره می‌کند امور آموزشی ایران در افغانستان به عنوان یکی از ابزارهای قدرت نرم برای گسترش حوزه‌های نفوذ عقیدتی، فرهنگی و سیاسی می‌باشد و یکی از لوازم این نفوذ، ایجاد دانشگاه‌های اسلامی و مؤسسات آموزش عالی در مناطق مختلف افغانستان هستند. نویسنده کتاب "عربستان و ایران: رقابت قدرت نرم در خاورمیانه" اشاره می‌کند پشتوانه دانشگاه‌های دو کشور، تلاش دارند حسن نیت برای بهبود کیفیت زندگی شهروندان افغانستان را نشان دهند. با این حال، نگرشی کلان تر نشان می‌دهد که ملاحظات گسترده و واقعی‌تری نیز در این فرایند آموزش وجود دارد؛ یعنی ایران از طریق فرایندهای آموزشی می‌تواند به صادرات ارزشهای دینی خود بپردازد و قدرت نرم یا قدرت فرهنگی

سیاسی خود را ارتقاء بخشد که تبعات منطقه ای خواهد داشت. ایران با دانشگاه‌های افغانستان ارتباط برقرار کرده است و دانشجویان افغان در ایران را مورد استقبال قرار می‌دهد و بورس‌های تحصیلی را برای آنها ایجاد می‌کند. همچنین ایجاد پردیس شعبه‌هایی از مؤسسات آموزشی ایران در افغانستان در این حوزه نقش مهمی دارد. دانشگاه علامه طباطبائی به عنوان یکی از بزرگترین دانشگاه‌های دولتی ایران که تخصصش در علوم انسانی و علوم اجتماعی می‌باشد با همکاری دانشگاه کابل تلاش دارد یک دانشکده پشتو را با تمرکز بر زبان و ادبیات در افغانستان راه اندازی کند. حدود ۱۵۰۰۰ دانشجوی افغان در حال حاضر در دانشگاه‌های ایران تحصیل می‌کنند که ثمره برنامه‌هایی است که دیپلمات‌های افغان برای این امر انجام داده‌اند و سفیران دو کشور اعتقاد دارند دانشجویان دو کشور ایران و افغانستان بهترین سفیران دو کشور هستند. (Sawahel, ۲۰۱۷)

## ۲-۵. دیپلماسی عمومی و فرهنگی

دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در افغانستان شامل مولفه‌هایی همچون تولید فیلم، تئاتر، مبادله استاد و دانشجو، انتشار کتاب و تشکیل کتابخانه‌ها، پخش رادیو و تلویزیون بین المللی، برنامه‌های مبادلات آموزشی و فرهنگی، آموزش زبان، نمایشگاه‌ها و جشنواره‌های هنری و اعزام هنرمندان نمایشی و اجرایی به خارج از کشور، ایجاد پایگاه‌ها و سایت‌های اینترنتی، مجلات الکترونیک، برنامه‌های سخنرانی، توزیع سی‌دی‌های فرهنگی و آموزشی، برگزاری جلسات با چهره‌های شاخص، فرهنگی، دانشگاهی و اقتصادی می‌باشد. (جوادی ارجمند و اسمعیلی، ۱۳۹۱: ۱۰۵) فعالیت‌های دیپلماتیک ایران منجر به مواضع مشترک سیاسی بین دو کشور گردید و از زمان به قدرت رسیدن مجاهدین در افغانستان، همواره بین جمهوری اسلامی ایران و این کشور دیدگاه‌های مشترک حول امور منطقه‌ای و جهانی وجود داشت. رؤس اقدامات ایران در این کشور عبارت است از؛ پذیرش دانشجویان

افغان در ایران، توزیع کتب فارسی در افغانستان، دایر کردن اتاق های ایران شناسی در افغانستان و غیره. (جوادی ارجمند و اسمعیلی، ۱۳۹۱: ۱۱۰-۱۰۹)

مشترکات فرهنگی و نیروی انسانی متخصص، باهوش و علاقه مند به ایران از افغانستان فارسی زبان ظرفیت این را دارد که جبهه فرهنگی از تعاملات فرهنگی مبتنی بر زبان فارسی را بین کشورهای فارسی زبان با محوریت ایران و در زمینه های فرهنگی و مذهبی تشکیل دهد و ضمن شکوفایی دیپلماسی فرهنگی در جهان اسلام، زبان و ادبیات فارسی را که به شدت تحت تهدید فعالان غیر فارسی زبان است، از خطر برهاند و از این ذخیره فرهنگی مستعد برای ایفای نقش حداکثری در دیپلماسی فرهنگی ایران استفاده شود. (رستگاری، ۱۳۹۵: ۱۱۰-۱۰۹)

#### ۱-۲-۵. دیپلماسی فرهنگی و ارائه تصویر مثبت از ایران در افغانستان

برخی از دشمنان انقلاب اسلامی و کشور ایران تلاش دارند در جهان اسلام و کشورهای منطقه علی الخصوص افغانستان، به تصویرسازی علیه ایران بپردازند و با امنیتی ساختن و تهدید فضای هنجاری کنشگران بین المللی، بتوانند دسته بندی مفهومی جدیدی از لایه بندی تصویرسازی تهدیدانگار نسبت به جمهوری اسلامی ایران ارائه نمایند. (سرخیل و خزعلی، ۱۳۹۶: ۱۰۳) جمهوری اسلامی ایران توانسته با سیاستگذاری فرهنگی برآمده از انقلاب، دین را محور برندینگ ملی خود در دنیا کند و بر اساس آن به مدیریت شهرت بین المللی خود بپردازد. امروزه اکثر ملت ها در اقصی نقاط دنیا اهمیت به روز رسانی هویت ملی خود و بازسازی تصویر ملی شان را از اهداف اساسی و استراتژیک سیاست فرهنگی، هنری، اقتصادی و سیاسی خود اعلام کرده اند. در ارتباط با سیاست فرهنگی، فرآیند اعتماد به نفس ملی به عنوان مبنا و پایه آغازین خود باوری ملی و هویت ملی مستحکم از اصول اولیه و پایه ای پروژه برندینگ و تصویر ملی می باشد. اکثر کشورها امروزه به سیاست فرهنگی اهمیت می دهند چرا که به ترویج و بازسازی تصویر و برند ملی شان اهمیت می دهند. نام



هر کشوری در دنیای امروز، در برگیرنده تصورات ادراکی و اندیشه ای است که با خود کلیشه ها و تصاویر مختلفی را در زمینه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... عرضه می کند. برند دین محور جمهوری اسلامی با تاکید بر خودباوری، عزت نفس و استقلال توانسته است تصویر ایران را در دنیا گسترش دهد و باعث عزت نفس و سربلندی ایرانیان شود و همزمان امکانات رشد و گسترش منافع بلند مدت ایرانیان در اقصی نقاط دنیا را نیز فراهم کند. در این میان، دیپلماسی موفق در عرصه جهانی باید از ظرفیت سمن ها نظیر انجمن های دوستی برای ایجاد، اعتبار، اعتماد و دست یابی به اهداف ترسیم شده در سیاست خارجی بهره بگیرد. (قربی، ۱۳۹۸: ۹۳-۹۰)

پدیده ایران هراسی و ارائه تصویر منفی از ایران در اذهان و افکار عمومی ملت افغان، مقوله رو به رشدی در افغانستان می باشد که البته عمدتاً متأثر از نقش آفرینی کنشگران رقیب در سطح بین المللی و منطقه ای و برخی عوامل داخلی مانند تنوعات قومی مذهبی و زبانی در افغانستان می باشد. ایران و افغانستان، منافع کلان و راهبردی دارند که ضرورت توسعه همکاری ها در تمامی بخش ها را توجیه می کند؛ اما در این میان، کسانی نیز هستند که برای آنها نه منافع افغانستان و نه منافع ایران، هیچ اهمیتی ندارد؛ بلکه آنچه مهم است، تخریب این رابطه و ایجاد تنش و تشنج میان دو همسایه است؛ تا از این رهگذر به دنبال اهداف خویش باشند. امریکا با کمک هدف انزوای سیاسی ایران و نشان دادن چهره مخرب و نادرست از ایران با طرح اتهاماتی سعی بر کاهش نقش، نفوذ و قدرت فرهنگی ایران در افغانستان دارد و در این راستا با بهره گیری از متحدین منطقه ای خود (عربستان سعودی و پاکستان) در جهت پیاده سازی منافع خود گام برمی دارد که نمونه آن را می توان در تقویت جریان پشتونیزم و حمایت از عناصر و گروه های افراطی ضد زبان فارسی و تشیع، گروه های افراطی سلفی و غیره مشاهده نمود. همچنین انعکاس سیاست های ایران در قبال مهاجرین به عنوان محوری دیگر در راستای ایران هراسی است. البته نمی توان تحولات رخ داده در افغانستان را تنها ناشی

از سیاستهای بازیگران خارجی دانست و به بازیگران داخلی بی توجه بود. بطور حتم بخشی از تحولات سیاسی افغانستان برآمده از سیاستها، منافع و گرایشهای فکری، مذهبی و سیاسی بازیگران داخلی است. پیامدهای ایران هراسی برای ایران عبارتند از؛ گسترش پشتون های تند رو و بنیادگرا در افغانستان به تضعیف جایگاه فارسی زبانان و شیعیان این کشور منجر می شود و مناسبات فرهنگی دو کشور به میزان قابل توجهی کاهش خواهد یافت و به تدریج موجب انقراض زبان فارسی و تمدن مشترک خواهد شد. تبعات ایدئولوژیک و فرهنگ منفی این امر موجب کاهش حضور سیاسی ایران در افغانستان خواهد شد. در این راستا، دیپلماسی عمومی ایران در افغانستان می تواند به عنوان راهکاری برای مقابله با فرآیند ایران هراسی و ارائه تصویر مثبت از ایران مورد توجه قرار گیرد. (حاجی یوسفی و اکبری، ۱۳۹۸: ۱۶۹-۱۶۷)

### ۳-۵. فعالیت های رسانه ای دیداری و شنیداری؛ دیپلماسی رسانه ای

دیپلماسی رسانه ای یکی از ابزارهایی است که در عصر ارتباطات می تواند ابزاری برای اجرای قدرت نرم ایران و خدمت به منافع ملی تلقی شود و تأثیر دیپلماسی رسانه ای ایران در افغانستان در جذب مخاطب افغانستان موضوعی مورد توجه است. ( Babran & Pourrashidi, ۲۰۱۲: ۵۱) آمریکا با صدای آمریکا در جهت دهی فضای رسانه ای کشور افغانستان نقش بسزایی دارد و بخش های خبری این شبکه، هر روزه از شبکه ملی افغانستان پخش می شود. حضور رسانه ای کشورهای غربی به حدی در افغانستان زیاد است که حامد کرزای رئیس جمهور وقت افغانستان در جریان خروج نیروهای آمریکا از این کشور در سال ۲۰۱۴ از وضعیت رسانه ها انتقاد کرد و رسانه های داخلی را پیرو غول های بزرگ رسانه ای دانست. همه شبکه های تلویزیونی خصوصی سراسری افغانستان (به جز شبکه تمدن) بیشتر به پخش برنامه های تفریحی و سرگرم کننده مثل موسیقی، رقص، فیلم ها و سریال های هندی و ... می پردازند. این مهم نشان می دهد که حضور رسانه های غربی چقدر توانسته در جهت دهی به رسانه های داخلی افغانستان تاثیرگذار باشد. اما ایران با وجود اشتراکات فرهنگی،

تاریخی، دینی و زبانی بسیار با این کشور و هزار کیلومتر مرز مشترک در جهت‌دهی افکار عمومی مردم افغانستان نتوانسته است عملکرد قوی‌ایی داشته باشد و در بازنمایی مثبت تصویر ایران در رسانه‌های افغانستان نیز باید عملکرد پویاتر و دارای برنامه‌ریزی رسانه‌ای بلند مدت باشد. (اصغرزاده، ۱۳۹۵: ۱) بنابراین، برای تحقق گسترش زمینه‌های نفوذ ایران در افغانستان و به تبع آن گسترش روابط و دفع تهدیداتی نظیر قاچاق مواد مخدر به ایران، دیپلماسی رسانه‌ای گامی موثر به شمار می‌رود. (بیران و پوررشیدی، ۱۳۹۱: ۱۲۹)

مهمترین اقدامات ایران در جهت توسعه دیپلماسی رسانه‌ای و به تبع آن گسترش روابط با افغانستان، راه اندازی رادیو دری به مرکزیت مشهد می باشد. بخش برون مرزی صدا و سیما به محض حمله آمریکا به افغانستان، عملکرد این رادیو را از روزانه دو ساعت به هفتاد و هفت ساعت افزایش داد که پس از رادیو بی. بی. سی. مهمترین رادیوی منطقه می باشد. همچنین ایران کمک فراوانی به تاسیس چند تلویزیون و از جمله تلویزیون نور به مسئولیت آیت الله آصف محسنی از رهبران شعیان افغانستان و نیز کمک‌های فنی به راه اندازی چند شبکه خبر انجام داده است و تمامی این اقدامات با تایید وزارت امور خارجه همراه بوده است. برای گسترش همکاری‌ها در راستای تربیت نیروهای افغان در دانشکده صدا و سیما در رشته‌های کارگردانی و تصویربرداری اقداماتی صورت گرفته است و برای خبرنگاران افغان دوره‌های روزنامه نگاری برگزار شده است. ارائه فیلم‌ها و سریال‌های ایرانی برای پخش در شبکه‌های افغانی در جهت ترویج سینمای ایران منجر به انتقال تمامی فرهنگ ایرانی به آنجا شده است که این مساله حتی در پوشش و سخن گفتن آنها نیز مشاهده می شود. در بعد خبررسانی، یکی از قدیمی ترین رادیوهایی که در افغانستان فعال است، رادیو دری می باشد و با استفاده از حوزه تمدنی مشترک ایران و افغانستان، نقش فعالی ایفا کرده است و در مقطعی که طالبان بر این کشور حاکم بودند، حجم هفته نامه‌هایی که از ایران به افغانستان

می‌رفت، بسیار فراوان بود. این اقدامات منجر به گسترش ارتباطات فرهنگی و رسانه‌ای دو کشور شده است. (کوهکن و دیگران، ۱۳۹۷: ۵۳-۵۲)

پیشنهادات و راهبردهای ارتقاء کارآمدی دیپلماسی رسانه‌ای ایران در افغانستان به قرار زیر می‌باشد؛ توجه به موضوع دیپلماسی رسانه‌ای در افغانستان با استفاده از زبان و فرهنگ مشترک، کمک به ایجاد مطبوعات و نشریات مستقل در این کشور با کمک سیاستمداران افغان نزدیک به ایران، تلاش برای معرفی بسیاری از خدمات مختلف ایران از طریق رسانه‌ها و اقدامات سیاسی سفارت ایران در کابل در راستای آگاه‌سازی افکار عمومی مردم افغانستان، استفاده فعال دستگاه سیاست خارجی از رسانه‌ها و دیپلماسی رسانه‌ای به عنوان گامی برای مقابله با تهدیدات نرم فرهنگی علیه ایران در کشور افغانستان، استفاده صحیح از فضای مجازی و ایجاد وبسایت‌های ایرانی با مضامین مربوط به افغانستان در راستای جلب مخاطبان، حضور پررنگ روزنامه‌نگاران ایرانی در افغانستان، استفاده از رادیو و ایجاد رسانه‌های بیشتر صوتی و تصویری به ویژه رادیو برای پخش اخبار گسترده‌ای از وقایع و حوادث در افغانستان توسط رسانه‌های ایرانی و ارائه تفسیر ایرانی از آنها به مخاطبان ایرانی و افغانی، فراهم کردن وسایل حضور رسانه‌های افغانستان در ایران به منظور انعکاس دیدگاه‌های ایران و ایجاد زمینه برای گفتگوهای مشترک، شرکت مقامات ایرانی در برنامه‌های تلویزیونی کشور افغانستان، پخش و گسترش کانال‌های تلویزیونی ماهواره‌ای ایرانی در افغانستان. ( Babran & Pourrashidi, ۲۰۱۲: ۵۵)

۴-۵. جهانی شدن و ملزومات دیپلماسی فرهنگی ایران برای ارتقاء قدرت نرم در

#### افغانستان

برخی از ملزومات دیپلماسی فرهنگی و عمومی ایران در افغانستان با توجه به ظرفیت‌های عصر جهانی شدن فرهنگی به شرح زیر می‌باشد؛

### ۱-۴-۵. افزایش روابط میان فرهنگی

روابط میان فرهنگی را بایستی از مهم‌ترین فرصت‌های فرهنگی جهانی شدن برای کشورهای دانست که دارای بینه و پتانسیل فرهنگی مناسبی می‌باشند. فرایند جهانی شدن امکان تأثیرگذاری فرهنگ‌های مختلف را تقویت کرده، اما تأثیرگذاری فرهنگ‌های کشورهای که دارای پیشینه فرهنگی قدرت‌مندتری هستند، نمود بیشتری خواهد داشت. فرهنگ ایرانی که بدون شک و به دور از هرگونه تعصب یکی از فرهنگ‌های نادر در سطح جهان از نظر پیشینه می‌باشد، می‌تواند از الگوهای بارز باشد؛ زیرا با توجه به ظرفیت‌های بسیار بالا، فرهنگ ایرانی توانایی تأثیرگذاری بر افکار عمومی جهانیان و ارائه یک الگوی مناسب از فرهنگ جهانی را در بطن خود دارد. از این رو، ارتقاء مراودات فرهنگی بین جامعه و دولت ایران و افغانستان با توجه به پیشینه فرهنگی مشترک امری لازم می‌باشد.

### ۲-۴-۵. امکان تعامل دیدگاه‌ها و درک متقابل فرهنگ‌ها

موقعیت استراتژیک و سوق‌الجیشی ایران که آن را در مسیر چهار راه ارتباطی جهان قرار داده است از یک سو و ویژگی‌های منحصر به فرد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن از سوی دیگر امکان و موقعیت ویژه‌ای را در اختیار ایران قرار داده است تا بتواند ظرفیت‌ها و توانایی‌های بالقوه تمدنی خویش را به ملل و اقوام دیگر به نحوی شایسته ارائه نماید و هم‌چنین قابلیت‌ها و ارزش‌های مثبت فرهنگ‌ها و ملل دیگر را جذب نموده و با فرهنگ خویش سازگار نماید. در این مسیر، وجوهات مشترک فرهنگی و نزدیکی جغرافیایی ایران و افغانستان امکان تعامل فرهنگی و درک متقابل ایده‌های فرهنگی، سیاسی و علمی را بین دو کشور فراهم می‌آورد.

### ۳-۴-۵. انتقال مفاهیم و ارزش‌های مشترک ذهنی بشر

تمدن ایرانی با توجه به موقعیت ویژه خود همواره در طول تاریخ نقش عمده‌ای را در ایجاد و انتقال علوم، مفاهیم و ارزش‌های مشترک جهانی داشته است؛ امروزه نیز با توجه به گسترش فناوری‌های نوین امکان وسیع‌تری در اختیار ملل و فرهنگ‌های مختلف قرار گرفته است تا

بتوانند توان‌مندی‌های خود را به ملل دیگر ارائه نمایند؛ از این رو، جامعه ایرانی در فرایند دیپلماسی فرهنگی خود در کشور افغانستان نیز می‌تواند از این امکانات به نحوی شایسته استفاده نموده و ارزش‌های والای تمدنی خود را عرضه نماید. (یوسفی و محمدی فر، ۱۳۹۰: ۳۴-۳۵)

#### ۴-۵. تداوم ارزش‌های دینی در فرایند جهانی شدن فرهنگ

دین و ارزش‌های دینی نیز در جریان جهانی شدن فرهنگی به عنوان یکی از جنبه‌های مهم زندگی بشری از این فرایند بی‌تأثیر نبوده است. اما به نظر می‌رسد جهانی شدن بیشتر از آن‌که یک تهدید برای دین باشد، بیشتر یک فرصت استثنایی برای آن است؛ اما این مهم در صورتی محقق می‌شود که بتوان از یک سو از امکانات و فناوری‌های نوین ارتباطی به صورتی مطلوب و گسترده استفاده کرده و از سوی دیگر، دین را باید به گونه‌ای معرفی کرد که هم توانایی پاسخگویی به مسائل روز را داشته باشد و هم جلوه‌ای جذاب برای مخاطبین خود به خصوص نسل جوان داشته باشد در این راه می‌توان قبل از هر چیز، با شناخت فرهنگ‌های مختلف در کشور افغانستان، مسائل دینی را در راستای ارزش‌های نهادینه شده در آن فرهنگ‌ها مطرح کرد.

#### ۵-۴-۵. تقویت همکاری و همفکری با ملت‌ها

جهان فعلی که عنوان دهکده جهانی را گرفته است، بیش از هر چیز به واسطه پدیده جهانی شدن که آن نیز به نوبه خود ناشی از گسترش و پیشرفت وسایل ارتباطی نوین می‌باشد این امکان را برای بشر امروزی فراهم نموده تا با هم‌نوعان خود ارتباط بیشتری داشته باشد و نسبت به افکار و عقاید، مسائل و مشکلات یکدیگر آشنا شده و تعلق خاطر بیشتری نسبت به یکدیگر داشته باشند که این امر نیز به تقویت حس همکاری و نوع‌دوستی میان فرهنگ‌ها می‌انجامد. وسایل ارتباطی امروزی بویژه اینترنت و ماهواره این فرصت را برای فرهنگ‌های

مختلف و متنوع فراهم کرده‌اند تا بتوانند به نحوی مناسب‌تر و گسترده‌تر مفاهیم و چهارچوب‌های ارزشی و فرهنگی خویش را به دیگران منتقل نمایند و در این میان به نظر می‌رسد فرهنگ‌هایی که دارای ظرفیت غنی‌تر و ریشه‌دارتری هستند از امکان تاثیرگذاری بیشتری برخوردارند و این امر مستلزم استفاده گسترده و صحیح از این وسایل می‌باشد؛ به تبع این امر کشور ایران با توجه به سابقه تمدنی چندین هزارساله در صورت به کارگیری مناسب این وسایل می‌تواند بیشتر از آن‌که متأثر از دیگر فرهنگ‌ها باشد، بر آن‌ها تاثیرگذار شود و در تعامل با ملت افغانستان، بسترهای قدرت فرهنگی ایران را فراهم آورد. (یوسفی و محمدی فر، ۱۳۹۰: ۳۶-۳۴)

## ۶. چالش‌های قدرت نرم فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در افغانستان

### ۶-۱. ناامنی و بی‌ثباتی‌های گسترده

جامعه جنگ‌زده افغانستان بعد از بیش از دو دهه جنگ و خشونت، هنوز درگیر ناامنی و بی‌ثباتی است. وجود شکاف‌های عدیده اجتماعی همچون شکاف‌های قومی، مذهبی و زبانی، پتانسیل خشونت را در این کشور بالا برده است. رقابت میان پشتو زبانها و فارسی زبانها، رقابت بین شیعه و سنی، رقابت میان پشتون‌ها، تاجیک‌ها، هزاره‌ها، ازبک‌ها و ده‌ها گروه قومی دیگر هنوز بر مناسبات اجتماعی و سیاسی افغانستان حاکم است و بستر لازم را برای کشمکش‌های احتمالی فراهم می‌نماید. تبعاً چنین شرایطی مشکلاتی را در راه فعالیت‌های علمی و آموزشی ایران در افغانستان پدید می‌آورد. پشتونها که در طول تاریخ، حاکمیت سیاسی افغانستان را در اختیار داشته و با گروه‌های فارسی زبان در رقابت هستند، ممکن است از نفوذ علمی و فرهنگی ایران به عنوان یک کشور فارسی زبان چندان استقبال نکنند و آن را تهدیدی برای موقعیت مسلط خود بدانند. تجربه تشکیل شعب دانشگاه‌های آزاد اسلامی و پیام نور در افغانستان حاکی از آن است که بیشترین مقاومت و مخالفت در برابر این نهادهای آموزشی از ناحیه پشتوزبان‌ها صورت گرفته است. (داودی، ۱۳۹۳: ۱۲۱-۱۲۰)

### ۲-۶. اقدامات عربستان سعودی

کشور عربستان نیز به عنوان رقیب دیرینه ایران در سطح منطقه خاورمیانه همواره درصدد کسب جایگاه قدرت برتر بوده است. به عبارت بهتر می توان اینگونه بیان نمود که ایران و عربستان به عنوان دو قدرت بزرگ منطقه ای خواه ناخواه یک رقابت دیرینه و دائم را بر سر رهبری و سیادت سیاسی کشورهای اسلامی دنبال کنند. بنابراین می توان گفت بزرگترین رقیب فرهنگی ایران در جهان اسلام، کشور عربستان سعودی است که فرقه وهابیت در رأس آن قرار گرفته است و به طور موازی با جمهوری اسلامی ایران در مناطق اسلامی و به طور عمده با نام سازمان «رابطه العالم الاسلامیه» به فعالیت‌های فرهنگی و ترویج وهابی گری و مبارزه برضد ارزش‌های فرهنگی جمهوری اسلامی و تشیع می پردازد. در حال حاضر نیز عربستان مدعی است که دولت مرکزی در کابل را تحت حمایت و پشتیبانی قرار می دهد، اما نفوذ رهبران سعودی بر شورشیان طالبان بر کسی پوشیده نیست، ضمن آنکه ریاض یکی از مدافعان منطقه ای دخالت و حضور نظامی آمریکا در افغانستان نیز به شمار می رود. (کوهکن و دیگران، ۱۳۹۷: ۵۹)

### ۳-۶. اقدامات مخاصمانه آمریکا

علائق ایران در حوزه شرقی مبتنی بر ملاحظات امنیتی و برقراری ثبات و در مرحله بعد بسط و توسعه همکاری های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است. با توجه به آنچه که در مورد افغانستان و عملکردهای آمریکا و متحدین منطقه ای آن مشخص است، این کشور راهبرد «مهار و محاصره» ایران را پیگیری می نماید و این مهمترین تهدید موجود در حوزه شرقی است. بنابراین آمریکایی ها تلاش خواهند کرد تا در افغانستان، دولتی مخالف ایران بر سرکار آید، دولتی که ملاحظات ژئوپلیتیکی ایران را مدنظر قرار ندهد، ضمن اینکه در آینده آمریکا به عنوان بزرگترین تهدید علیه امنیت ملی ایران در افغانستان حضور خواهد داشت و از این نظر نیز تهدیداتی را متوجه ایران خواهد ساخت. (لطفی، ۱۳۹۴: ۶۴) نگرانی مقامات غربی و



در رأس آنها ایالات متحده آمریکا از نفوذ فرهنگی و علمی ایران در افغانستان بارها به اشکال مختلف منعکس شده و حتی طبق گفته برخی مقامات وزارت تحصیلات عالی افغانستان، این وزارتخانه از سوی آمریکایی‌ها برای عدم همکاری با ایران همواره در معرض فشار بوده است. (داودی، ۱۳۹۳: ۱۲۱)

#### ۴-۶. نداشتن راهبرد مشخص و ضعف سازماندهی

اولین چالش دستگاه سیاست خارجی ایران در حوزه دیپلماسی فرهنگی، برداشت عام و غیرتخصصی و تک بعدی به دیپلماسی فرهنگی است. در این راستا، معمولاً دیپلماسی عمومی یا دیپلماسی رسانه‌ای جانشین فرهنگی می‌شود یا با روابط عمومی اشتباه گرفته می‌شود. در حالی که، دیپلماسی فرهنگی وجوه مختلف و بهم پیوسته دارد و هدفش تأثیرگذاری بر افکار عمومی کشورها و سازمانهای هدف است. تا زمانی که نتوان این حوزه را از سایر حوزه‌ها جدا کرد و برای آن متولی خاصی در نظر گرفت نمی‌توان عملکرد قابل قبولی را شاهد بود. یکی از ضعف‌های دیپلماسی فرهنگی در ایران نسبت به کشورهای منطقه، نداشتن راهبرد مشخصی در این مورد است. اگرچه ممکن است سیاست‌هایی در مورد دیپلماسی رسانه‌ای یا دیپلماسی فرهنگی به صورت غیر سیستمی وجود داشته باشد؛ اما از آنجایی که دیپلماسی فرهنگی ساختار و سازمان مشخصی ندارد و همچنین نسبت به دیپلماسی فرهنگی، نگاه همه جانبه‌ای وجود ندارد، راهبرد مشخصی در این رابطه تدوین نشده است. تردیدی نیست که جمهوری اسلامی ایران در زمینه دیپلماسی فرهنگی ظرفیت‌های بسیار دارد. به موازات ضعف‌های برشمرده، به سازماندهی برای فعلیت بخشیدن ظرفیت‌های دیپلماسی فرهنگی در ایران نیز توجه نمی‌شود. علاوه بر این، اگرچه دیپلماسی رسانه‌ای و دیپلماسی فرهنگی به صورت مستقل در دستور سازمان‌های مربوط قرار دارد؛ ولی همین موضوع نیز از نظر کارکردی مورد انتقاد برخی از صاحب‌نظران است. (میرفخرائی و فیروزمندی، ۱۳۹۶: ۴۴۵-۴۴۴)

### نتیجه گیری

موقعیت استراتژیک افغانستان برای ایران باعث شده است تا شناسایی و تمرکز بر منابع چندوجهی قدرت نرم در این کشور برای ایران حائز اهمیت باشد. در عین حال، بسترها و پیشران های فرهنگی تاثیرگذار بر قدرت فرهنگی ایران در کشور افغانستان عبارت از؛ زبان و ادبیات فارسی، جاذبه های فرهنگی-تمدنی، الگوی فرهنگی همزیستی قومیت ها و اقلیت ها، هویت تمدنی و احیاگری هویت دینی، الگوی اسلام سیاسی-فرهنگی، انگاره های دینی مشترک، منادی وحدت و اتحاد اسلامی می باشد. دیپلماسی فرهنگی ایران در کشور افغانستان از بازوهای اجرایی بازتولید قدرت نرم می باشد که در این راستا، فعالیت های آموزشی و مراودات علمی دو جانبه، دیپلماسی رسانه ای و دیپلماسی فرهنگی و عمومی منجر به تقویت فعالیت های فرهنگی تاثیرگذار بر قدرت ایران در کشور افغانستان شده است. دیپلماسی فرهنگی توانسته است در روند ارائه تصویر مثبت از ایران تاثیر خوبی داشته باشد ولی نیازمند تقویت و برنامه ریزی بیشتری در این خصوص می باشد. ملزومات دیپلماسی فرهنگی ایران برای ارتقاء قدرت نرم در افغانستان عبارت از؛ افزایش روابط میان فرهنگی، امکان تعامل دیدگاه ها و درک متقابل فرهنگ ها، انتقال مفاهیم و ارزش های مشترک ذهنی بشر، تداوم ارزش های دینی در فرایند جهانی شدن فرهنگ و تقویت همکاری و همفکری با ملت ها می باشد. با وجود فرصت ها و ظرفیت های فوق الذکر، برخی از چالش های قدرت نرم فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در افغانستان شامل؛ ناامنی و بی ثباتی های گسترده، اقدامات عربستان سعودی، اقدامات مخاصمانه آمریکا، نداشتن راهبرد مشخص و ضعف سازماندهی می شوند.

### منابع:

- اصغرزاده، محمد (۱۳۹۵)، آسیب‌شناسی دیپلماسی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران در افغانستان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.
- احمدی، عزیزالله (۱۳۹۰)، بررسی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در افغانستان، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- ببران، صدیقه و هاتف پوررشیدی (۱۳۹۱)، «بررسی دیپلماسی رسانه‌ای ایران در افغانستان»، مطالعات رسانه‌ای، بهار، شماره ۱۶، صص ۱۴۲-۱۳۱.
- جعفری، علی اکبر و ملیحه نیکروش (۱۳۹۴)، «منابع فرهنگی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عراق نوین»، قدرت نرم، بهار و تابستان، شماره ۱۲، صص ۵۰-۲۹.
- جوادی ارجمند، محمدجعفر و مرتضی اسمعیلی (۱۳۹۱)، «جایگاه دیپلماسی عمومی در روابط ایران و کشورهای فارسی زبان»، سیاست، پائیز، شماره ۳، صص ۹۷-۱۱۳.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد و راضیه اکبری (۱۳۹۸)، «عوامل موثر بر شکل‌گیری ایران هراسی در افغانستان»، مطالعات روابط فرهنگی بین‌المللی، بهار، شماره دهم، صص ۱۲۷-۱۷۲.
- حاجیان، خدیجه (۱۳۹۴)، «بررسی ظرفیت‌های زبان و ادبیات فارسی در ترویج ارزش‌های انقلاب اسلامی در تاجیکستان و افغانستان»، مطالعات فرهنگ-ارتباطات، سال شانزدهم، پاییز، شماره ۳۱، صص ۷-۳۸.
- داودی، علی اصغر (۱۳۹۳)، «دیپلماسی علم و فن‌آوری ایران در افغانستان»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، زمستان، شماره ۱۱، صص ۱۲۷-۱۰۳.
- رستگاری، محمدحسین (۱۳۹۵)، دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- رفیع، حسین و ملیحه نیکروش (۱۳۹۲)، «دیپلماسی عمومی و قدرت نرم»، روابط بین‌الملل، تابستان، شماره ۲۲، صص ۱۳۳-۹۹.
- زرقانی، سیدهادی (۱۳۹۱): «سنجش و رتبه‌بندی قدرت ملی کشورها در جهان اسلام»، مطالعات جهان اسلام، تابستان، شماره ۲، صفحات ۲۶-۱.
- سرخیل، بهنام و فاتن خزرعلی (۱۳۹۶)، «تصویرسازی تهدیدانگار از جمهوری اسلامی ایران توسط ایالات متحده آمریکا»، دانش سیاسی، پاییز و زمستان، شماره ۲۶، صص ۱۳۳-۱۰۳.

- سعیدی، روح الامین و حمیدرضا مقدم فر (۱۳۹۳)، «منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، سال چهارم، پائیز و زمستان، شماره ۱۱، صص ۱۰۷-۱۲۶.
- صالح آبادی، ریحانه (۱۳۹۵)، «بهره گیری از قدرت نرم جهت نفوذ سیاسی ایران در افغانستان»، نهمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران و اولین همایش انجمن جغرافیا و برنامه ریزی مناطق مرزی ایران.
- قربی، سیدمحمدجواد (۱۳۹۸)، «کارکردهای انجمن های دوستی در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات روابط فرهنگی بین المللی، زمستان، شماره ۱۱، صص ۷۹-۱۱۲.
- قربی، سیدمحمدجواد و منصور حیدری (۱۳۹۷)، «فرهنگ و قدرت نرم؛ مطالعه منابع فرهنگی قدرت نرم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، راهبرد فرهنگی-اجتماعی، بهار، شماره ۲۶، صص ۱۹۵-۱۵۱.
- کوهکن، علیرضا و دیگران (۱۳۹۷)، «دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در افغانستان»، پژوهش های راهبردی انقلاب اسلامی، تابستان، شماره ۲، صص ۳۹-۶۹.
- کهدویی، محمدکاظم (۱۳۸۹)، بررسی وضعیت نوین فرهنگی و اجتماعی مسلمانان افغانستان، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- لطفی، حیدر (۱۳۹۴)، «تحلیل ژئوپلیتیکی روابط افغانستان و ایران»، فصلنامه خراسان بزرگ، تابستان، شماره ۱۹، صص ۷۵-۵۷.
- ملک زاده، محمد (۱۳۹۳)، «مؤلفه های دینی و ملی قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران»، علوم سیاسی، زمستان، شماره ۶۸، صص ۱۰۹-۱۳۲.
- ملک زاده، محمد (۱۳۹۴)، «قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران»، سیاست متعالیه، زمستان، شماره ۱۱، صص ۱۵۴-۱۳۳.
- میرفخرائی، سیدحسن و مجید فیروزمندی بندپی (۱۳۹۶)، «دیپلماسی فرهنگی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز»، اوراسیای مرکزی، پائیز و زمستان، شماره ۲، صص ۴۳۳-۴۴۸.
- نیکروش، ملیحه و علی اکبر جعفری (۱۳۹۵)، «نقش مراجع تقلید و علمای دینی کشور عراق در افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، تابستان، شماره ۲، صص ۱۰۴-۱۳۸.
- نیکروش، ملیحه و مرتضی علویان (۱۳۹۴)، «منابع قدرت نرم ج.ا.ایران در فلسطین»، اطلاعات راهبردی، شماره ۱۳۲، صص ۲۹-۵۰.
- یوسفی، محمد و نجات محمدی فر (۱۳۹۰)، «فرهنگ و تمدن ایرانی و جهانی شدن»، مطالعات جامعه شناختی، پائیز، شماره ۱۲، صص ۳۸-۲۳.

- Babran, Sedighe and Hatef Pourrashidi (۲۰۱۲), "Effects of Iran Media Diplomacy in Afghanistan on Attracting Afghan Audiences", *Media Studies*, Volume ۷, Number ۱۶, pp. ۵۱-۵۶.
- Feizi, Hiva (۲۰۱۸), *Discourse, Affinity and Attraction: A Case Study of Iran's Soft Power Strategy in Afghanistan*, School of Interdisciplinary Global Studies, College of Arts and Sciences (University of South Florida).
- Gill Bates and Yanzhong Huang (۲۰۰۶), "Sources and limits of Chinese soft power", *Survival: Global Politics and Strategy*, Volume ۴۸, Issue ۲, pp. ۱۷-۳۶.
- Kearn, David W. (۲۰۱۱), "The hard truths about soft power", *Journal of Political Power*, Volume ۴, Issue ۱, pp. ۹۵-۸۵.
- Kroenig Matthew and et, al. (۲۰۱۰), "Taking Soft Power Seriously", *Comparative Strategy*, Volume ۲۹, Issue ۵, pp. ۴۱۲-۴۳۱.
- Lee, Shin-Wha (۲۰۱۱), "The Theory and Reality of Soft Power: Practical Approaches in East Asia", *Palgrave Macmillan Series in Global Public Diplomacy*.
- Li, Jian (۲۰۱۸), "Conceptualizing Soft Power Conversion Model of Higher Education", in *Conceptualizing Soft Power of Higher Education*, Singapore, Springer.
- Nye, Joseph S (۲۰۱۴), "The Benefits of Soft Power", Boston: Harvard Business School: Working Knowledge.
- Nye, Joseph S. (۱۹۹۰), *Bound to Lead: The Changing Nature of American Power*, New York, Basic Books.
- Nye, Joseph S. (۲۰۰۵). "Soft Power and Higher Education", *Forum for the Future of Higher Education*, pp. ۱۱-۱۴.
- Polglase, Giles (۲۰۱۳), "Higher education as soft power in the Eastern Partnership: the case of Belarus", *Eastern Journal of European Studies (EJES)*, Volume ۴, Issue ۲, pp. ۱۲۱-۱۱۱.
- Posch, Walter (۲۰۱۴), "Afghanistan: the view from Iran", *European Union Institute for Security Studies, EU Institute for Security Studies*, March, No ۲۰.
- Rothman, Steven B. (۲۰۱۱), "Revising the soft power concept: what are the means and mechanisms of soft power?" *Journal of Political Power*, Volume ۴, Issue ۱, pp. ۴۹-۶۴.
- Sadeghi, Mir Mohammad and R. Hajimineh (۲۰۱۹), "The Role of Iran's Soft Power in Confronting Iranophobia", *MGIMO Review of International Relations*, Vol ۱۲, No ۴, pp. ۲۱۶-۲۳۸.

- Shoamanesh, Sam Sasan (۲۰۱۶), "What of Iranian Soft Power?", Institute for ۲۱st Century Questions and Global Brief, fall / Winter.
- Turcsanyi, Richard Q. (۲۰۱۷), "A Comprehensive Concept of Power in International Relations", In Chinese Assertiveness in the South China Sea (Power Sources, Domestic Politics, and Reactive Foreign Policy), Springer International Publishing AG, Cham, Springer.
- Wagdy, Sawahel (۲۰۱۷), "Iran, Saudi Arabia vie for influence over Afghan HE", University World News, ۱۵ December.
- Wang, Hongying & Yeh-ChungLu (۲۰۰۸), "The Conception of Soft Power and its Policy Implications: a comparative study of China and Taiwan", Journal of Contemporary China, Volume ۱۷, Issue ۵۶, pp. ۴۲۵-۴۴۷.
- Wastnidge, Edward (۲۰۱۵), "The Modalities of Iranian Soft Power: From Cultural Diplomacy to Soft War", sage journals, Vol ۳۵, Issue ۴-۳, pp. ۳۶۴-۳۷۷.
- Wilde, Andreas (۲۰۱۳), "Underestimated and Ignored: Iran's Current Afghanistan Policy between Soft Power and Hard Measures", In The Regional Dimensions to Security, Palgrave Macmillan.
- Wojciuk, Anna (۲۰۱۸), "Higher education as a soft power in international relations", Handbook of cultural security, Cheltenham, Edgar Elgar.
- Yang, Rui (۲۰۱۰), "Soft Power and Higher Education: An Examination of China's Confucius Institutes", Globalisation, Societies and Education, Vol. ۸, No. ۲, pp. ۲۳۵-۲۴۵.
- Yavuzaslan, kiymet and Murat Cetin (۲۰۱۶), "Soft Power Concept and Soft Power Indexes", in Business Challenges in the Changing Economic Landscape, Proceedings of the ۱۴th Eurasia Business and Economics Society Conference.
- Yukaruc, Umut (۲۰۱۷), "A Critical Approach to Soft Power", Journal of Bitlis Eren University, volume ۶, Number ۲, pp. ۴۹۱-۵۰۲.